

معنای جدیدی از آیه (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال^۱: من طلبه ای در حوزه علمیه قم هستم. با برخی از طلبه ها در علم کلام مباحثه می کردم و موضوع بحث تجسیم و استدلال بر نفی جسمانی بودن خداوند متعال با تمسک به آیه ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾، بود. یکی از حاضرین در جلسه، از شما نقل کرد که به صورت شفاهی از شما شنیده است که با وجود شهرت استدلال به این آیه نزد تمام علماء، استدلال به این آیه برای نفی جسمانی بودن خداوند متعال را رد کرده اید. لطفاً توضیح دهید، دیدگاه شما چیست؟

پاسخ: بین علمای تفسیر و کلام معروف آن است که این آیه بر نفی تشابه خداوند متعال با هر چیز دیگری در حقیقت و صفات دلالت دارد و برخی از آن تنها نفی تماثل در حقیقت را برداشت کرده اند و معتقدند اختلاف بین مجرد و مادی اختلاف در حقیقت است نه صفت و روش فهم آن ها این چنین است: خداوند نمی تواند جسم باشد چرا که اگر جسم باشد مانند مخلوقات خود خواهد بود و خداوند می گویند هیچ مثلی برای او نیست یا بگوییم: خداوند نمی تواند به دیگران نیازمند باشد چون اگر محتاج باشد مثل ما خواهد بود و هیچ چیز مثل خداوند نیست و همینطور. مرجع این نفی مطلق تماثل به هر وجه بین خداوند و غیر او است.

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۱۳.

اما احتمال دیگری را نیز می توان در تفسیر این آیه مطرح کرد. در زبان عرب وقتی گفته می شود فلانی هیچ مثلی در قدرت یا علم یا طول یا زیبایی ندارد، نفی مثلثیت در این جا به این معنا نیست که غیر از و علم، قدرت، زیبایی و... را ندارد بلکه به این معنی است که غیر از این مرتبه مطابق با قدرت، زیبایی، طول و علم او را ندارد. مثلاً این که گفته شود: هیچ کس در فیزیک مثل انیشتاین نیست. این بدین معنی نیست که هیچ کسی که حتی فی الجمله در فیزیک با انیشتاین اشتراک ندارد اما آن چه که نفی شده همانندی با اوست نه اشتراک فی الجمله با او یا وقتی گفته می شود: انسان غیر از شتر است و شبیه او نیست این بدین معنی نیست که او در موجود بودن یا حیوان بودن اشتراکی با او ندارد.

بر این اساس معنای این آیه شریفه این چنین خواهد بود: هیچ چیزی مثل خدا نیست یعنی هیچ چیزی وجود ندارد که تمام صفات و حقایقی که خداوند سبحان داراست را دارا باشد به گونه ای که خالق و باری و عالم مطلق و قادر مطلق و تمام صفات و ویژگی های دیگر او را داشته باشد. این آیه وجود شخصی دیگری غیر از خداوند که تمام صفات کمالی خداوند متعال را داشته باشد، نفی می کند نه این که مطلق اشتراک را نفی کند. اگر آیه را این گونه تفسیر نکنیم در اشکال اشتراک غیر از خداوند در دیگر صفات همچون شنیدن، دیدن، علم و... با خداوند متعال گرفتار می شویم. چه بسا از همین رو برخی از مفسرین سعی داشته اند این آیه کریمه را در تمائل در حقیقت نه صفت، منحصر کنند. چون به این اشکال ملتفت شده اند.

سیاق این آیه نیز این کلام را تایید می کند. خداوند متعال می فرماید: ﴿فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (الشوری: ۱۱-۱۲)، این کسی که همه آن چه که در این دو آیه آمده است را انجام میدهد، هیچ مثیل و مانند ندارد یعنی هیچ کسی غیر از او نیست که برای شما از خودتان همسرانی قرار دهد و از چارپایان ازواجی قرار دهد و کلیدهای آسمان و زمین در دست او باشد.

خلاصه: این آیه شریفه مطلق تمائل را نفی نمی کند بلکه تمائل مطلق را نفی می کند. همین که آن چه مطرح شد، همین که این احتمال، احتمالی قوی باشد مانع شکل گیری ظهور برای تفسیر مشهور می شود در نتیجه به قدر متیقن که همان تمائل مطلق است، اکتفا خواهد شد.

بر این تفسیر جدی این آیه وجود دو خدا که صفات خدا و اسماء والای او را داشته باشد را نفی می کند نه این که وجود تشابه فی الجملة بین خدا و غیر او را نفی کند امری که امکان استفاده از این آیه در بسیاری از مواردی که علمای کلام و تفسیر از این آیه بهر گرفته اند را از بین می برد. والعلم عند الله.